

## تحلیل الزامات انقلاب در اندیشه سیاسی علامه فضل الله

سعید ربیعی

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)  
rabie.saeid@yahoo.com

موسی ابراهیمی

کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران  
musa.ebrahimi71@gmail.com

حمید نساج

استادیار علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران  
h.nassaj@ase.ui.ac.ir

### چکیده

علامه محمدحسین فضل الله از متفکران بزرگ و نواندیش در حوزه مسائل اسلامی و سیاسی است. در دیدگاه او که متأثر از انقلاب اسلامی ایران و تحولات بعد از آن بود، انقلاب سیاسی به منظور تغییر حکومت و سیاست‌های غیراسلامی به حکومت و سیاست‌های اسلامی و به تبع آن اقامه عدل و قسط است. از نظر ایشان برخی قوانین و الزامات را باید در حوزه اندیشه و عمل فعالان سیاسی با توجه به مقتضیات زمان تبیین و رعایت کرد تا فعالیت‌ها فایده‌مند واقع شود. هدف پژوهش حاضر تحلیل و بررسی الزامات انقلاب است. نگارنده در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای به بررسی پیرامون برخی الزامات یک انقلاب فایده‌مند از دیدگاه این اندیشمند پرداخته است که از جمله آن‌ها می‌توان این موارد را نام برد: مبارزه سیاسی در کنار مبارزه فکری، غافلگیرکردن دشمن و سازش‌ناپذیری، دعوت تدریجی قبل از شروع انقلاب، رعایت اصول شرعی و تفکیک منافع، هدف‌گرایی در مواضع، اتخاذ سیاست باز در روابط سیاسی، بهره‌گیری از حزب سیاسی و فعالیت تشکیلاتی.

**واژه‌های کلیدی:** فضل الله، الزامات انقلاب، انقلاب فایده‌مند، مبارزه سیاسی، فعالان سیاسی.

۱. یا ثورةً عاشت في روعة الحلم
  ۲. ارادها الله لنا فانبرت تُردى قُوى الظلم (فضل الله، ۲۰۰۱، ج ۲: ۲۱۱).
  ۱. ای انقلابی که در اعماق وجودمان و در شکوه رؤیایمان زندگی کرد.
  ۲. خداوند آن را برای ما خواست پس انقلاب تصمیم گرفت نیروهای ظلم را نابود سازد.<sup>۱</sup>
- علامه سید محمدحسین فضل الله در سال ۱۹۳۵ میلادی (۱۳۵۴ ق) در عراق (شهر نجف) به دنیا آمد. پدر او مرحوم آیت الله سید عبدالرروف فضل الله از عالمان و مدرسان حوزه علمیه نجف بوده و اصالتی لبنانی داشته است. علامه فضل الله در حوزه علمیه نجف اشرف تحصیل کرد و طی دوران تحصیل با آیت الله شهید سید محمدباقر صدر هم‌درس بود. در سال ۱۹۶۶ به دعوت بعضی از شیعیان لبنان به میهن پدری اش هجرت می‌کند و در آنجا به فعالیت‌های گسترده مذهبی، اجتماعی و سیاسی می‌پردازد. او دارای تألیفات متعددی در زمینه تفسیر، فقه، ادبیات و شعر، اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی در قالب کتاب‌ها و سخنرانی‌هاست که تعداد آن‌ها را بیش از هفتاد اثر ذکر کرده‌اند. وی از چهره‌های برجسته مذهبی و سیاسی لبنان محسوب می‌شود. در واقع او را رهبر معنوی حزب الله لبنان و مقاومت اسلامی آن دیار می‌شناسند. همچنین باید گفت ایشان با توجه به تعداد تألیفات و اندیشه‌های گاه متفاوت با سایر علمای شیعه نیز از پایگاه علمی معتبری برخوردار است. همچنین در زمینه سیاسی و اجتماعی به دلیل زندگی در عراق و لبنان شاهد تحولات گوناگون سیاسی و فرهنگی بوده که این عامل سبب شده است این اندیشمند با تأثیر پذیری از اندیشه‌های اسلامی و قرآنی و نیز متن و بطن سیاست تا حدود زیادی درک صحیحی از روزگار خویش داشته باشد و مسائل عصر خود را در قالب‌های گوناگون تجزیه و تحلیل کند. تجزیه و تحلیل ایشان از مسائل به صورت عقلی، منطقی، واقع‌گرایانه، معتدل و نقادانه است؛ چیزی که در عصر حاضر جامعه امروزی ما به شدت بدان احتیاج دارد؛ برای مثال در زمینه جنبش‌های اسلامی و فعالان آن بر این باور است که «اگر عملکرد اسلام‌گرایان جنبشی را ملاحظه کنیم درمی‌یابیم که آنان در مواجهه با بسیاری از چالش‌های دشوار به واقعیت توجه

۱. این دو بیت از سروده‌هایی است که فضل الله در دیوانش درباره قیام علیه ظلم و جور می‌سراید. مناسبت این دو بیت هم درباره کودتای ضد سلطنتی عراق در سال ۱۹۵۸ م که منجر به سرنگونی رژیم سلطنتی عراق گردید، است که به اهمیت قیام و شورش علیه ظلم و ستم اشاره می‌کند.

نکرده‌اند تا بتوانند شیوه‌ای واقع‌گرایانه در پیش بگیرند، بلکه عمده مواجهات براساس اندیشه‌های کلی و آرمانی برخاسته از مفاهیم اخلاقی موجود در ذهنیت ایشان شکل گرفته است؛ بدون آنکه احتیاط‌ها و استثناهای مفاهیم مذکور در نظر گرفته شود» (فضل‌الله، ۱۳۷۸: ۱۹). همین احتیاط‌ها و استثناها هستند که گاهی اصل و کاربرد برخی مسائل هر مکتب از جمله اسلام را مشخص می‌کنند و به مردمان حاضر در هر دوره می‌فهمانند که وقتی مثلاً گفته می‌شود دین اسلام، دینی برای همه زمان‌ها و مکان‌هاست، چطور کاربرد آن تبیین و تشخیص داده می‌شود؛ به زبان ساده این سخنان بدین معناست که مکتب اسلام را باید با تمام اصول، احتیاط‌ها و استثناهایش توسط افراد خبیره و متخصص این کار، برای مردم هر زمان به اندازه ظرفیت و استعدادهایشان تفسیر کرد تا دینی به‌روز و کارآمد در هر زمینه‌ای از جمله سیاست به جهانیان معرفی شود. انقلاب سیاسی یا مبارزه برای برقراری حکومت اسلامی و به‌تبع آن اجرای عدل و قسط، یکی از مسائل مهم عصر حاضر در کشورهای مسلمان است که فضل‌الله سال‌ها به‌دنبال تبیین و ارائه راهکارهایی عملی برای آن بوده است. عقلانیت، واقع‌گرایی، داشتن برنامه و روحیه از جمله موضوعات و مفاهیمی است که در این حوزه بدان پرداخته شده است. نگارنده در این مقاله به این سؤال مهم و اساسی پاسخ داده است که از نظر فضل‌الله در سطح مبانی نظری در عرصه سیاسی چه الزاماتی برای یک حرکت انقلابی فایده‌مند که به اهدافش دست یابد و مطابق با موازین اسلامی و معیارهای سیاسی باشد، باید وجود داشته باشد و این مبانی چقدر با واقعیت و حقیقت جهان امروز مطابقت دارند؟

پژوهش حاضر موضوع جدیدی است و تاکنون در این زمینه تحقیق علمی صورت نگرفته است. ضرورت و اهمیت این تحقیق بدین خاطر است که امروزه مقوله انقلاب و تغییر در نظام‌ها و سیاست‌های حکومت‌ها یکی از مسائل مهم در زمینه ایجاد و اجرای حکومت‌های مورد نظر مردم است. در دین اسلام هم که باید حکومت اسلامی برقرار شود، چگونگی انقلاب و راهکارهای ایجاد انقلابی مفید برای فعالان و انقلابیون اسلامی از ضرورت‌های اساسی است که باید به‌طور کافی و وافی بررسی و تبیین شود تا اولاً راهگشایی باشد برای نجات مسلمانان از ظلم و جور قدرت‌ها و افراد ستمگر، سلطه‌جو و خودمحمور و همچنین حکومت‌هایی که تنها به پیشرفت مادی جوامع توجه دارند و از وجوه معنوی آن غافل‌اند و ثانیاً تبلیغ مثبتی باشد برای اسلام تا جهانیان دین اسلام واقعی و حقیقی و اصول اصیل اسلامی را در هر زمینه‌ای به‌ویژه عرصه پرتش سیاست بشناسند. علامه فضل‌الله یکی از سردمداران و متفکران بزرگ شیعه و از جمله

اندیشمندان تحول‌خواه، ظلم‌ستیز و ضد استکبار جهان اسلام است که این‌گونه مسائل در افکار و اندیشه‌هایش به‌خوبی نمودار شده است؛ بنابراین تبیین افکار ایشان برای جهان اسلام و عرصه سیاست از اهمیت و ارزش بسیاری برخوردار است.

## الزامات انقلاب

در این پژوهش مهم‌ترین ضرورت‌ها و الزامات یا به تعبیری مهم‌ترین راهکارهای یک انقلاب نتیجه‌بخش که از نظر فضل‌الله مورد نیاز است، بررسی و تجزیه و تحلیل شده است. آنچه در این زمینه در افکار و اندیشه‌های ایشان نمودار شده است عبارت‌اند از:

### ۱. مبارزه سیاسی در کنار مبارزه فکری

از مبنایی‌ترین و مقدماتی‌ترین اعتقادات فضل‌الله در باب انقلاب این است که در ایجاد یک جنبش باید سازمان‌دهی و برنامه‌ریزی در جهت برخورد واقع‌گرایانه با شرایط عینی (حادث شده) داشت و مبارزات را بنا به شرایط به وجود آمده و اقتضات هر زمان پیگیری کرد؛ پس قاعدتاً باید مبارزات هم در مرحله اندیشه و فکر و هم برای دستیابی به قدرت و مقاصد سیاسی دنبال شود؛ زیرا او ماهیت انقلاب و هدف آن را بدین صورت می‌داند: «انقلاب حرکتی است که از درون و بیرون، افکار، اعمال و حرکت انسان را دستخوش تغییر می‌سازد؛ بدیهی است که چنین تغییری به جنب و جوش، شتاب و شدت عمل نیازمند است» (فضل‌الله، ۱۳۷۸: ۲۳۷). از نظر وی هدف انقلاب این است که عمده‌ترین هدف دین و بعثت پیامبران که برپایی عدالت بشری است، تحقق یابد و این هدف جز از راه کنش سیاسی [همان انقلاب] تحقق نمی‌یابد. همچنین اجرای احکام شریعت نیز جز با کنشی سیاسی که بتواند قدرت و حکومت را در دست گیرد، امکان ندارد (مرادی، ۱۳۸۱). در این صورت است که جنبش یا انقلاب‌ها در مواجهه با پدیده‌های گوناگون مسیر طبیعی و صحیح خود را طی می‌کنند. فضل‌الله در اینجا می‌گوید: «گاهی شرایط موجود اقتضا می‌کند که همراه با مبارزه فکری، مبارزه سیاسی را نیز آغاز کرد؛ یعنی در برخی شرایط فعالان جنبش درمی‌یابند که تهدیدات و مبارزه‌طلبی‌های سیاسی از هر

۱. بدین معنا که قبل از یک مبارزه تمام‌عیار باید یک اصول و قواعد و حدود مشخصی برای فعالان انقلابی طراحی و تعیین گردد.

سو آنان را محاصره کرده است.؛ به نحوی که دیگر امکان کناره گیری از عرصه مبارزه سیاسی، امکان پذیر نیست» (فضل الله، ۱۳۷۸: ۳۰)؛ بنابراین انقلابیون باید در کنار مبارزات فکری قبلی خود با مخالفان، مبارزه سیاسی هم در دستورالعمل کار خود داشته باشند. در جای دیگری نیز می گوید: «در شرایط غیرطبیعی و فوق العاده که مخالفان بر ضد اسلام و مسلمانان اعلام جنگ سیاسی کرده اند، ناگزیر باید وارد صحنه شد و با قدرت و استواری به مقابله پرداخت» (فضل الله، ۱۳۷۸: ۳۰)، بدین معنا که اصل مبارزه مسلمانان مبارزه فکری و عقیدتی است و همان طور که گفته شده جنگ اسلام، جنگ عقیده ها و منطق هاست، اما در برخی شرایط باید به مبارزه عملی روی آورد؛ چون وقتی برخی مخالفان از جهت عقیده مغلوب مسلمانان می شوند، به دنبال راه های دیگری هستند که در این طور مواقع باید متناسب با رفتار آنان عمل کرد.

### بررسی و تحلیل

به دلیل اینکه مبارزه ای که مدنظر است، یک ماهیت سیاسی دارد، باید مبارزات سیاسی هم در کنار مبارزات بر مبنای اندیشه پیگیری شوند. این حالت فوق العاده ای است که وقتی دعوت به تفکر و اندیشه و رسیدن به حق مطلوب مورد نظر اسلام به دست نمی آید، ناگزیر باید از راه های سیاسی وارد شد. اینجاست که باید پدیده ای سیاسی به نام «امت» یا به عبارتی «ملت» به وجود آید که در کنار عقیده راسخ، عمل به وظایف نیز سرلوحه کار آنان باشد؛ به تعبیر شریعی «امت جامعه ای است از افراد انسانی که هم فکر، هم عقیده، هم مذهب و همراه اند، نه تنها در اندیشه مشترک اند، که در عمل نیز اشتراک دارند» (شریعی، ۱۳۵۷: ۷۴). تاریخ مسلمانان و به ویژه مذهب شیعه از همان صدر اسلام نشان می دهد، آن ها به مبارزه فکری و سیاسی با مخالفان خود می پرداخته اند و با اتخاذ تاکتیک های مناسب در برابر ظلم ایستادگی می کردند. «مهم ترین و پیشروترین جریان مخالف طی قرون در میان مسلمانان تشیع بود که با نظریه سیاسی و آرای اصولی و مذهبی روشن خود قیام های گوناگونی را علیه خلافت و حاکمیت استبدادی اموی و عباسی سازمان داد. قیام امام حسین<sup>(ع)</sup> و قیام های تواین و مختار ثقفی و زید و محمد نفس زکیه از این قبیل هستند» (ماس، ۱۳۶۲: ۸۳). پس مبارزات سیاسی جزء جدایی ناپذیر نهضت های مسلمان از همان ابتدا بوده است که البته در وضعیت های متفاوت، همیشه هم با پیروزی همراه نبوده است، اما تأثیرگذار و فعال در معتقدات شیعیان بعد از خود بوده اند. پطروشفسکی در این باره می نویسد: «غالباً این اقلیتی [شیعه] بوده کارآمد و فعال که در نهضت های خلق و تعلیم

و معتقدات اجتماعی اثر می گذاشته است» (پطروشفسکی، بی تا: ۲۵۸). در دوره معاصر هم همین تفکر ادامه داشته و مسلمانان در ادوار مختلف انقلاب‌هایی را سازمان داده‌اند؛ مثلاً امام خمینی<sup>(۵)</sup> به دلیل اینکه «علت اصلی به وجود آمدن مشکلات در جامعه ایران اسلامی و به‌طور کلی جهان اسلام [را] انحطاط فکری و اعتقادی مسلمانان می‌داند» (عارفی، ۱۳۷۸: ۷۸) برای رهایی ملت‌های مسلمان و بلکه تمام محرومان جهان، طرح تشکیل یک حزب (حزب مستضعفین یا حزب‌الله) را به‌عنوان یک تشکل سیاسی برای فعالیت‌های هدفمند سیاسی ارائه داد تا همه در داخل این جریان تازه هماهنگ شوند و هم‌بستگی و هم‌گرایی خود را تا رسیدن به پیروزی کامل بر ابرقدرت‌ها بیش از پیش تقویت کنند. البته نکته مهم در مباحث انقلاب سیاسی نزد مسلمانان این است که از سوی برخی علما و پیروانشان بسیاری از انقلاب‌ها تنها یک فتنه تلقی می‌شود و تمیز ندادن یک انقلاب الهی با فتنه شیطانی به مشکل اساسی برای مسلمانان تبدیل شده است. بدیهی است معنای فتنه در فرهنگ اسلامی مشخص است، اما در مقام عمل وقتی موقع به‌کارگیری روش‌های سیاسی برای رسیدن به اهداف مطرح می‌شود، برای برخی مسلمانان شبهه و خلط پیش می‌آید که آیا انقلاب آن‌ها منشأ الهی دارد یا شیطانی و با این طرز تفکر یا برخی آنان از عمل انقلابی و سیاسی بازمی‌مانند یا برخی دیگر آن را تحریم می‌کنند یا سکوت می‌کنند و اینجاست که به تعیین دقیق مرزهای روش‌های صحیح با روش‌های غلط و مفاهیم مشابه مثل فتنه و غیره توسط اهل فن آن نیاز است. فضل‌الله تا حدودی توانسته است این مسائل را تبیین و تشریح کند و شبهات را برای مسلمانان رفع نماید. به نظر می‌رسد مسلمانان باید در انجام اموری که بدان مأمور شده‌اند (به‌ویژه درباره احکام اجتماعی و سیاسی اسلامی) اطلاع کافی داشته باشند و نیز در مطالبه حقوق مشروع و همچنین در انکار منکر و نیز دفع ظلم آشکار، فتنه‌ای وجود ندارد، بلکه فتنه در ظلم به مردم و انجام منکر و غصب حقوق دیگران و سکوت در برابر آن و ترک امر به معروف و نهی از منکر نهفته است که در این صورت، نه دین و نه دنیایی برای مردم باقی نمی‌ماند؛ برای مثال در بیشتر انقلاب‌های کشورهای عربی به دلیل اینکه از روش‌های نامناسب استفاده شد یا به دلیل تعیین نکردن مرزهای روش‌های درست با غلط و... نظام‌های حاکم و دستگاه‌های نظامی و پلیسی آن کشورها به‌صورت آشکار و مخفی براساس عادت خود در برابر این انقلاب‌ها به‌سرعت روش‌های سرکوب و کشتار را به کار گرفتند (اما شدت و ضعف این سرکوب‌ها در یک نظام در مقایسه با نظام دیگر متفاوت بوده است) و انقلابیون نتوانستند هدف خود را به سر منزل مقصود برسانند و امکانات و هزینه‌ها و خون‌های بسیاری در این عرصه تلف شد. مهم آن است که در این

وضعیت‌های موجود سیاسی افراد فعال در این جنبش‌ها بتوانند با رهبرانشان اهداف و معیارهایشان را مشخص کنند و با روش‌های راهبردی سیاسی (که ممکن است در برخی موارد مسالمت‌آمیز باشد و در برخی موارد همراه با خشونت) در برابر ساختارهای فاسد قیام کنند؛ در نتیجه مبارزات سیاسی در انقلاب‌ها ضرورتی بسیار دارد که اگر با تمام شرایط لازم آن، مثلاً روش واقع‌گرایانه و برنامه‌ریزی دقیق صورت بگیرد، سرانجام به پیروزی حاکمیت ولایت الهی منتهی می‌شود و موضوع اصلی آن یعنی رشد و رستگاری انسان‌ها تحقق می‌یابد.

## ۲. غافلگیرکردن دشمن و سازش‌ناپذیری

از دیدگاه فضل‌الله سازش‌ناپذیری با دشمن به‌ویژه در ابتدای کار، امری مهم و حیاتی به شمار می‌رود؛ تا آنجا که حتی گاهی از موارد، خطر از بین رفتن جنبش را بسیار کم یا منتفی می‌کند و انقلاب را در مسیر بهتر و بیشتر پیروزی قرار می‌دهد. فضل‌الله در این باره می‌گوید: «به اعتقاد ما اتخاذ مواضع تند و شدید و آغاز تهاجم همه‌جانبه بر ضد دشمن گام مثبتی است که دشمن را در موضع تدافعی قرار می‌دهد و واردکردن شکست روحی به او، فکر پیروزی را از سرش بیرون می‌کند؛ این امر با اقدامات غافلگیرکننده‌ای که دشمن هیچ حسابی برای آن باز نکرده و آمادگی مقابله با آن را ندارد قابل تحقق است» (فضل‌الله، ۱۳۷۸: ۳۱). بدین معنا که به اعتقاد این اندیشمند، استفاده از این اصل مهم (اصل سازش‌ناپذیری و اتخاذ مواضع تند و شدید در برابر مخالفان) پیامدهای بسیار مهم و بزرگی را برای انقلابیون دارد که از جمله آن‌ها می‌توان موارد زیر را برشمرد:

۱. در این موضع هیچ خسارت و شکستی برای مسلمانان انقلابی وجود ندارد؛ چون یا شهادت را در پی دارد یا پیروزی بر دشمنان نصیب آن‌ها می‌شود. ۲. دشمن را در موضع تدافعی قرار می‌دهد و به او شکست روحی وارد می‌کند. ۳. از کشیده شدن مردم به برخی از رخوت‌های سیاسی باز می‌دارد. ۴. باعث جلوگیری از رخنه دشمن به صفوف مسلمانان می‌شود. ۵. توان هرگونه اقدام و مبارزه جویی از دشمن سلب می‌شود. ۶. استعمار را در بهره‌گیری از اختلافات درونی ناکام می‌کند. ۷. به جنبش امکان می‌دهد تا با رفع موانع موجود، اهداف خود را پیگیری کند. ۸. چون جامعه را هوشیار و حساس می‌کند، بهترین وسیله برای حفظ وحدت و یکپارچگی جامعه است. ۹. از تأثیرات سوء عواملی که از درون موجب شکست می‌شوند، پیشگیری می‌کند. ۱۰. به مسلمانان قدرت دشمن‌شناسی و آگاهی‌بخشی عمیق می‌دهد (فضل‌الله، ۱۳۷۸: ۳۳-۳۱).

## بررسی و تحلیل

یکی از مهم‌ترین خصوصیات انقلاب‌ها که آن‌ها را از سایر تحولات سیاسی متمایز می‌کند و به تغییر ساختار سیاسی منجر می‌شود، اعمال زور و خشونت و به تعبیری مواضع تند و شدید به‌گونه‌ای متقابل میان حکومت و انقلابیون است. «زیرا نه حکومت بدون مقاومت تسلیم انقلابیون می‌شود و نه انقلابیون در صورت لزوم از اعمال خشونت پرهیز می‌کنند» (عیوضی، ۱۳۹۰: ۲۲). حال در این میان، اگر یک طرف از مواضع خود دست بکشد یا در جایی که باید مواضع تند و خشن داشته باشد، از آن استفاده نکند سبب پیروزی طرف مقابل می‌شود. این همان تناسب در شیوه مبارزه است که در بیان فضل‌الله خطر از بین رفتن انقلاب را بسیار کم یا منفی می‌کند.

نهی از سازش و تسلیم در برابر دشمنان و مخالفان، به‌ویژه منافقان و کفار نیز از جمله مهم‌ترین دستورات دینی اسلام است که در آیات متعددی از کتاب الهی بدین مسئله اشاره شده است: «پس از کافران اطاعت مکن و به‌وسیله آن با آنان جهاد بزرگی انجام بده» (فرقان: ۵۲). این آیه خطاب به پیامبر اسلام (ص) است و ایشان نیز از همان آغاز دعوت با قاطعیت و جدیت اهداف مبارزاتی خود را دنبال می‌کرد و هر زمان قدرتمند می‌شد بر دشمنان حمله می‌برد؛ بدین معنا که این موارد از ویژگی‌های عملکردی حضرت در سرزمین مکه و در آغاز انقلاب سیاسی دین اسلام محسوب می‌شود. تعبیر مشهور رسول‌الله در برابر تهدیدها و تطمیع‌های سران قریش به‌روشنی دلالت بر همین استواری در هدف دارد. «به خدا قسم اگر خورشید را در دست راست من بگذارند و ماه را در دست چپ من قرار دهند، من دست از این کار نخواهم کشید تا اینکه در این راه هلاک شوم یا اینکه خداوند مرا نصرت داده و بر آنان غالب آیم» (رسولی، بی‌تا: ۵۲).

سازش‌ناپذیری با حکومت را می‌توان مترادف با «روحیه انقلابی» در افراد دانست. در این قسمت به نظر می‌رسد منظور فضل‌الله از بیان این معیار، گسترش روحیه انقلابی در جامعه اسلامی برای ایجاد یک انقلابی است که به پیروزی منجر می‌شود. «روحیه انقلابی پدیده‌ای روان‌شناختی و مرحله‌ای بالاتر از نارضایتی از وضع موجود است. مراد از این روحیه، به وجود آمدن حس پرخاشگری علیه نظام سیاسی حاکم است» (عیوضی و هراتی، ۱۳۹۰: ۲۷). با این روحیه فرد اراده پیدا می‌کند و اعتماد به نفسش افزایش می‌یابد و به تدریج می‌تواند در برابر قدرت‌های طاغوتی و ظالم مقاومت کند و نهضت خود را به پیروزی برساند. البته نکته مهم این است که این روحیه باید در میان همه افراد نهضت یا حداقل در اکثریت توده‌ها و نخبگان جامعه پیدا شود تا بتوان گفت این اصل تحقق یافته است؛ از این رو می‌توان گفت تا هنگامی که این روحیه

سازش ناپذیری بین افراد هویدا نشده، هرچند سایر شرایط دیگر محقق باشد، قیامی به وقوع نمی‌پیوندد یا به پیروزی نمی‌رسد.

راهبرد برخورد تند و سریع را اگر از افراطی‌گری بدون برنامه جدا کنیم و با تمام شرایط صحیح آن مدنظر قرار دهیم، انقلاب را در مسیری قرار می‌دهد که نتیجه‌اش پیروزی است؛ زیرا به مبارزه‌ای تبدیل شده که برای بیشتر مردم عیان است، اما به نظر می‌رسد در مبارزه فکری، چون مبارزه‌ای در میدان عمل وجود ندارد و به نوعی در این مبارزه یک نوع آمادگی فکری و فرهنگی ایجاد می‌شود (با اینکه اهمیت بسیاری برای قبل از ایجاد انقلاب عملی دارد) و شاید بیشتر مردم درگیر آن نشوند، در مرحله شروع انقلاب عملی به‌تنبهایی کافی نیست و برخی را با وجود اینکه آرمان‌ها و دعوت‌های جنبش را پذیرفته‌اند، دچار انفعال و رخوت‌های سیاسی می‌کند و باعث تفرقه مسلمانان می‌شود.

### ۳. دعوت تدریجی قبل از شروع انقلاب

در اینجا دعوت به‌منظور تغییر و ایجاد یک پایگاه فکری مستحکم در انسان‌هاست که فضل‌الله آن را یکی از اصول بسیار مهم در هر جنبشی می‌داند که غفلت از آن سبب انحراف جنبش و سوءاستفاده به دست دشمنان می‌شود. وی معتقد است نقطه شروع هر انقلاب با ایجاد آگاهی عمیق و استوار در مردم و رهبران آن است که باعث می‌شود برای یک انقلاب مفید از سوی رهبران برنامه‌ریزی و تحلیل دقیق صورت بگیرد و مردم نیز بصیرت کافی در مواجهه با امور انقلاب داشته باشند. او درباره ویژگی‌ها و نتایج یک پایگاه فکری مستحکم می‌نویسد: «پایگاهی که بتواند از موضعی قدرتمندانه و استوار با توفان‌های سهمگین مقابله کند و هیچ تندباد و تهدیدی مواضع او را متزلزل نگرداند، پایگاهی برخوردار از توان فکری کافی برای برنامه‌ریزی و تحلیل حوادث، پایگاهی بهره‌مند از بصیرت کافی در مراقبت از اوضاع و پایگاهی که بتواند با اقتدار تمام طرحی نو درآفکند» (فضل‌الله، ۱۳۷۸: ۳۹) و اگر این مسئله نادیده گرفته شود، نه تنها پیروزی در پی آن نیست، بلکه در برابر اندیشه‌های مخالف و قدرت‌های دیگر دچار نابودی می‌شود یا حتی حرکتی که شروع شده است به دست سایر مکاتب می‌افتد: «هرگاه انقلاب بدون اتکا به پایگاه فکری حرکت کند، در مواجهه با پایگاه‌ها و مکاتب فکری دیگری که سعی دارند انقلاب را در استخدام افکار و منافع خویش درآورند، دچار لغزش خواهد شد. ما انقلاب‌هایی را سراغ داریم که به نام اسلام آغاز شدند، اما در نهایت به چنگال مکتب سرمایه‌داری یا مکتب مارکسیسم

افتادند» (فضل الله، ۱۳۷۸: ۳۸). البته اینجا در دیدگاه فضل الله نکته‌ای مهم است و آن رعایت توازن و هماهنگی میان بعد دعوت به معنای تغییر پایگاه فکری و بعد انقلاب به معنای تغییر ساختار سیاسی است؛ زیرا ایشان معتقدند هرکدام از این ابعاد «تابع اصول، شیوه‌ها و ضوابط خاصی هستند که بعضاً با یکدیگر تفاوت دارند... [و اگر این هماهنگی از بین برود] دعوت و انقلاب از یکدیگر جدا شده و هر یک مسیر جداگانه را در پیش بگیرد، در هر دو حالت اسلام جایگاه حقیقی و ثابت خود را در زندگی از دست می‌دهد» (فضل الله، ۱۳۷۸: ۳۸).

## بررسی و تحلیل

برخی از انقلابیون معتقدند کار انقلاب از همان آغاز یک مبارزه طلبی تمام‌عیار است و باید بدون تأخیر و به‌صورت ضرب‌الاجلی یک مبارزه سیاسی با دشمن داشت تا به پیروزی رسید و همان که رهبران و افراد اصلی انقلاب از اهداف و ویژگی‌ها و اصول آن آگاهی داشته باشند، کافی است؛ زیرا مردم بدون وجود آگاهی هم با رهبران مورد قبول خود همراهی می‌کنند. برخلاف این گروه فضل الله این‌گونه نمی‌اندیشد و تأکید خود را بر تدریجی بودن و آگاهی همگانی و مرحله‌بندی مبارزه قرار می‌دهد؛ یعنی قبل از یک مبارزه سیاسی در میدان عمل، باید در میدان فکر و اندیشه تغییر ایجاد کرد؛ زیرا امر انقلاب امری تدریجی است و در آغاز باید یک بیداری و روشنگری فکری صورت بگیرد تا مردم با آگاهی کامل، زیرکی و انعطاف‌پذیری و نه صرف عواطف و احساسات وارد عمل شوند و همچنین از افراط و تفریط در عمل که عاملی بسیار خطرناک برای جوامع مسلمان در طول تاریخ بوده و مانع پیروزی‌های آنان در جنبش‌هایشان می‌شده است، جلوگیری کنند. در توضیح این مطلب و تأیید اعتقاد فضل الله باید گفت، انقلاب به‌شکلی مطلوب و موفقیت‌آمیز در زمان و مکانی اتفاق می‌افتد که شرایط دوقطبی بر جامعه حاکم باشد؛ یعنی دو ویژگی به‌تدریج در فضای سیاسی به وجود آمده باشد: ۱. بین ارزش‌های گروه حاکمه با ارزش‌های مورد قبول مردم جدایی افتاده باشد. ۲. مشروعیت حاکمیت به چالش کشیده شود و نیروهای اجتماعی در مقابل نظام سیاسی حاکم قرار می‌گیرند. عوامل متعددی ایجادکننده چنین شرایطی است، اما اگر بخواهیم آن‌ها را در یک کلام خلاصه کنیم، می‌توان به دعوت و فضاسازی تدریجی توسط نخبگان و آگاهان وضع موجود اشاره کرد (که این آگاه‌سازی و دعوت ممکن است بنا به شرایط و مکان‌ها و زمان‌ها و کشورهای مختلف، متفاوت - کم یا زیاد حتی چندین سال - باشد) همچنین در کنار دعوت باید به ظهور و گسترش ایدئولوژی جایگزین

نیز پرداخته شود؛ زیرا هر تغییر و تحولی در دنیای سیاست، افزون بر موارد یادشده، نیازمند ایدئولوژی جایگزین برای تغییر ساختار حکومت است. به عبارت دیگر تا زمانی که جایگزینی مناسب (که مورد پسند و تأیید بیشتر مردم و سازگار با محیط فرهنگی آن جامعه باشد) برای نظام حکومتی وجود نداشته باشد، بی‌گمان حکومت تغییر نخواهد کرد و قیام انقلابیون بی‌اثر خواهد ماند. برینتون یکی از نظریه‌پردازان انقلاب معتقد است هیچ انقلابی بدون گسترش اندیشه و ایدئولوژی جدید شکل نمی‌گیرد (برینتون، ۱۳۶۶: ۴۵-۵۹). درحقیقت ایدئولوژی انقلاب نظام ارزش سازمان‌یافته‌ای است که مختصات حکومت آرمانی را به تصویر می‌کشد و مسیر رسیدن به آن را برای مردم مشخص می‌کند.

روش تدریجی روشی بود که امام خمینی<sup>(ره)</sup> نیز در جریان انقلاب اسلامی از آن استفاده کرد و سال‌های متمادی را برای به ثمر رساندن آن تلاش کرد؛ مثلاً در ابتدای دهه ۴۰ شمسی وقتی که از او می‌پرسیدند با کدام یار و یاور می‌خواهید پیروز شوید، می‌فرمود سربازان من در گهواره‌ها هستند و دقیقاً همان کودکان در گهواره یکی از مهم‌ترین عوامل پیروزی انقلاب و پیروزی در هشت سال دفاع مقدس شدند؛ بنابراین مسئله مهم، آگاهی مردم است که اگر دقیق و با برنامه‌ریزی صورت بگیرد، به یک ایمان قوی تبدیل می‌شود که آن‌ها را در برابر هر اعتقاد و ایدئولوژی انحرافی مصون کرده و سختی‌ها و مشکلات در راه انقلاب را تحمل می‌کنند. این آگاهی که گاهی به ایدئولوژی تعبیر می‌شود، سرمنشأ و جهت‌دهنده تمام امور زندگی انسان‌هاست. ایدئولوژی سازنده ساختار فکری فردی و اجتماعی انسان‌هاست و اگر می‌خواهیم تغییری (اعم از تغییرات سیاسی و بنیادین) در جامعه انسان‌ها به وجود آوریم، ابتدا باید به صورت تدریجی در معتقدات آن‌ها تغییر به وجود آوریم.

درباره مسئله احتمال بهره‌برداری سایر مکاتب یا حتی مخالفان از انقلاب مردم بدون آگاهی می‌توان گفت این موضوع کاملاً صادق است؛ زیرا در صورت بی‌توجهی اسلام‌گرایان به مسئله اندیشه مردم، سایر مکاتب غیر اسلامی یا ضد اسلام از این ظرفیت بسیار مهم به نفع خودشان استفاده می‌کنند و اهداف خود را پیش می‌برند؛ بنابراین نیروهای انقلابی اسلامی هم باید از این مسئله ضد دشمنان بهره بگیرند و با شکست آن‌ها، به پیروزی قاطع و عملی دست یابند.

#### ۴. رعایت اصول شرعی و تفکیک منافع<sup>۱</sup>

در باب این مبحث ابتدا لازم است منطق انقلاب (چارچوب نظری فضل‌الله در باب انقلاب) را توضیح بدهیم تا راه صحیح انقلاب مفید با ویژگی‌ها یا مشخصه‌های اصلی آن مشخص شود تا به یک سؤال اساسی که به عمق و ریشه فکری یک انقلاب برمی‌گردد، پاسخ دهد و بر پایه آن مسیر صحیح یک انقلاب بر مبنای واقع‌گرایی به‌سوی هدف ترسیم کند. در اینجا ایشان یک سؤال جدی مطرح می‌کند که مبنای ایدئولوژی و خط فکری او را تا حدود زیادی مشخص می‌کند که براساس این چارچوب عقیدتی کل نظرات خود را سامان می‌دهد: «آیا انقلاب، حرکتی در عالم مطلق است یا حرکتی در عالم واقعیت و تابع حدود و قیود واقعی؟» (فضل‌الله، ۱۳۷۸: ۲۴۱). ایشان در پاسخ به این سؤال چند مطلب را بیان می‌کند که از آن می‌توان به چارچوب نظری فضل‌الله در باب مسائل انقلابی تعبیر کرد که در اینجا به‌صورت شماره‌گذاری شده آورده شده است:

«۱. انقلاب حرکتی است که در سرزمین معینی رخ می‌دهد و در چارچوب شرایط طبیعی به پیش می‌رود. ۲. [شرایط طبیعی در انقلاب] یعنی شرایط عینی بر آن حاکم است [پس در نتیجه] با موانع طبیعی مواجه می‌شود [یعنی در راه انقلاب واقعیات موجود را بینیم و بر مبنای خیال یا آرمان‌ها عمل نکنیم تا پیروزی حاصل شود]. ۳. دارای چارچوب زمانی و مکانی معینی است و حرکت‌هایی [به تناسب] علیه آن شکل می‌گیرد. [بدین معنا که ما در دین اسلام برای هر مسئله‌ای اصول ثابت و کلی داریم که باید در هر زمان و مکان، متناسب با شرایط تفسیر و اجرا شوند یعنی هر موقعیتی کاملاً یا تا حدودی متفاوت با موقعیت دیگر است]. ۴. انقلابیون وظیفه دارند در مواجهه با تمام این امور [امور مربوط به انقلاب] با بررسی و اندیشه کافی تصمیم بگیرند و برنامه‌های دقیق، واقع‌گرا و عملی تهیه کنند. ۵. شرایط مناسب را برای مقابله با حرکت‌های ضد انقلابی فراهم کنند و موانع را از سر راه انقلاب بردارند و برابر حرکت‌های دیگر قرار دهند. ۶. اگر در طول مسیر شکستی پیش آمد چند گام عقب‌نشینی کنند و اگر تهدیدات سنگینی رخ داد یا محاصره شدیدی اتفاق افتاد مدتی فعالیت را متوقف کنند. ۷. در صورتی که در طول مسیر با پیروزی‌هایی مواجه شدند، آن‌ها را به حساب منطبق‌بودن حرکت خود با قوانین و سنن حاکم بر هستی و انسان بگذارند [بدین معنا که ایشان قوانین وضع شده در دین اسلام را همان قوانین حاکم

۱. منظور از تفکیک منافع؛ تمایز نهادن بین مصالح عالی‌ه حکومت اسلامی و هر چیز غیر از آن می‌باشد، است.

بر جهان طبیعت و عقل انسان‌ها می‌داند و اگر هرکس می‌خواهد به پیروزی دست پیدا کند، باید از قوانین طبیعت که همان قوانین اسلام است، پیروی کند.<sup>۸</sup> در برنامه‌ریزی‌های بعدی خود بر مبنای منطق واقعیت حرکت کنند که تغییر و ثبات آن حساب شده است. این منطق سبب می‌شود آرمان‌ها و ایده‌آل‌های جنبش، متعادل و برنامه‌ریزی‌های آن واقع‌گرایانه باشد [در اینجا توجه به واقعیت یعنی یک اصل مهم در هر امر اشاره شده است، اصلی که بی‌توجهی به آن در طول تاریخ خسارت‌های بسیاری به مسلمانان وارد کرده است و باعث افراط یا تفریط شده و تعادل را از مسلمانان گرفته است]» (فضل‌الله، ۱۳۷۸: ۲۴۱).

بنابراین با توجه به مواردی که گفته شد ساختار یک انقلاب درست و منطقی نزد این اندیشمندان، با عقلانیت، منطق و برنامه‌ریزی، در نظر شرایط و عوامل طبیعی حادث بر جریان انقلاب، اندیشه‌گرایی، اعتدال و مهم‌تر از همه واقع‌گرایی و... بیان شده است، اما حال باید دید که با مدنظر قراردادن این چارچوب نظری چه راهکارهایی برای فعالان انقلابی وجود دارد. از دیدگاه فضل‌الله انقلابیون در جریان فعالیت‌های انقلابی باید در هر فرصتی که برایشان پدید می‌آید، با ارزیابی دقیق، حکم شرعی آن را به دست آورند و ضمن رعایت آن حکم، از فرصت بهره ببرند. چه بسا فرصت‌های بسیار مناسبی (اما با حيله و نیرنگ) برای تحرک انقلاب و مردم به وجود آید و در ظاهر به سود جنبش باشد، اما فعالان انقلابی حق ندارند از هر فرصتی بدون رعایت موازین اسلامی استفاده کنند. فضل‌الله در این باره می‌نویسد: «ما نمی‌توانیم به محض مهیاشدن یک فرصت از آن استفاده کنیم، بلکه لازم است ببینیم آیا استفاده از فرصت مزبور با موازین شرع سازگاری دارد یا خیر. این امر سبب می‌شود تا هیچ‌گاه جنبش از مسیر شرع منحرف نشود... در اینجاست که ممکن است بهره‌برداری از یک فرصت به بهای شکست یک فکر و عقیده گردد» (فضل‌الله، ۱۳۷۸: ۴۱-۴۰). همچنین در بهره‌گیری از فرصت‌ها اگر بین منافع شخصی یا حتی حزبی یا سیاسی و اجتماعی خودشان و منافع عالیه اسلامی تضاد و تعارضی پیش آمد، باید منافع و مصالح عالیه اسلام را مدنظر قرار دهند و برای آن تلاش کنند و در این راه برای تعیین ابزار و روش‌های انقلاب سیاسی باید محتوای اسلامی موثق یعنی کتاب (قرآن) و سنت (سیره عملی پیامبر<sup>(ص)</sup> و اهل بیت<sup>(ع)</sup>) را سرلوحه کار خود قرار دهند و با شناسایی ابعاد واقعی پدیده‌ها و ارزیابی دقیق اوضاع، یک تئوری برای میدان عمل طراحی کنند (فضل‌الله، ۱۳۷۸: ۴۴-۴۰). همچنین وی معتقد است سیاست و شریعت چیزی جدای از هم نیست و باید در مناسبات سیاسی و حکومت، اخلاق اسلامی رعایت شود و در حل مسائل، سیاست دینی جاری

باشد. ایشان می‌نویسد: «سیاست از دیدگاه اسلام، واقعیتی است که از مسیر اخلاق دور نیست. دیانت ما سیاست ماست؛ زیرا دین تلاش می‌کند تمام مسیرها و گام‌های انسان را مرزبندی کند. همچنان که سیاست ما دیانت ماست؛ زیرا به فعالیت انسان در میدان‌های سیاسی نظر دارد و آنچه در دین رخصت داده شده در سیاست نیز رخصت داده شده است» (فضل‌الله، ۱۳۹۴: ۱۶۸).

## بررسی و تحلیل

مسلمانان واقعی در هر زمینه (چه فردی و چه اجتماعی) باید رعایت مسائل اسلامی را سرلوحه کار خود قرار دهند. این مسئله در حوزه سیاست اهمیت بسیاری دارد؛ زیرا اگر در حوزه فردی کسی موازین اسلامی را رعایت نکرد، ضرر آن به خود شخص یا حداقل افراد کمی می‌رسد، اما در حوزه سیاست که امری مربوط به اجتماع می‌شود و همگانی است، رعایت نکردن مسائل شرعی ضرری بزرگ به جامعه اسلامی می‌رساند. همچنین اگر مسلمانان در مبارزات سیاسی خود مانند دیگرانی که از اسلام و اخلاق بهره‌ای ندارند، عمل کنند، پس چه تفاوتی میان اسلام خواهان و دشمنانشان وجود دارد؟ این مسئله به فلسفه سیاسی مسلمانان که عدم جدایی دین از سیاست است برمی‌گردد؛ در جدایی دین از سیاست گفته می‌شود برای رسیدن به قدرت سیاسی از هر وسیله‌ای<sup>۱</sup> می‌توان استفاده کرد؛ چون هدف تنها قدرت و شاید پیشرفت مادی جامعه است، اما در عدم جدایی دین از سیاست، از هر وسیله‌ای نمی‌توان بهره برد؛ زیرا هدف قدرت مطلوب اسلام به علاوه رشد و پیشرفت مادی و معنوی یعنی سعادت جامعه در همه ابعاد نیز است؛ برای مثال حضرت علی<sup>(ع)</sup> در تمام برنامه‌های خود به خصوص مسائل سیاسی هرگز حاضر نمی‌شد از شیوه‌های غیراخلاقی و غیرانسانی بهره بگیرد و در برابر کسانی که استفاده از این گونه راه‌ها را به او پیشنهاد می‌کردند، نمی‌پذیرفت و می‌فرمود: «آیا به من امر می‌کنید که پیروزی را با ستم به دست آورم» (کوفی اصفهانی، ۱۳۵۵: ۶۵۷). اهمیت مبارزه بر مبنای اصول اسلامی وقتی بیشتر می‌شود که هدف انقلابیون تنها ایجاد یک نظام سیاسی مستحکم اسلامی نباشد؛ یعنی علاوه بر آن قصد داشته باشند یک تمدن بزرگ را بنا نهند که به بیداری همه مسلمانان در جهان منجر شود. امام خامنه‌ای می‌فرماید: «در چنین شرایطی حرکت بیداری اسلامی نیز در منطقه آغاز شد و غربی‌ها که خود را عقب مانده از حرکت تفکر انقلاب اسلامی می‌دیدند با

۱. اعم از حيله و نیرنگ یا هر چیز دیگری که مغایر با دین مبین اسلام است

سراسیمگی برای مقابله با بیداری اسلامی و اسلام سیاسی وارد میدان شدند» (بیانات در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور، ۹۲/۶/۱۸)؛ بنابراین مبارزات انقلابی باید با رعایت موازین شرعی انجام شود تا انقلابی سیاسی، بر مبنای اصول صحیح پدید آید و به تبع آن حکومتی مستحکم و پایدار و تمدن‌ساز ساخته شود.

باید متذکر شد، تمام مواردی که در زمینه رعایت مسائل شرعی و مبنا قرار دادن اسلام برای فعالیت‌ها بیان شد (و قطعاً باید رعایت شوند) با مقدس‌مآبی و جاهلانانه اجتهاد کردن و عمل به ظواهر اسلام، تفاوت‌های اساسی و بسیار دارد؛ زیرا به نظر فضل‌الله اگر این گونه شد، مانع فقه پویای شیعه در مواجهه با مسائل و به‌روزر بودن دین مبین اسلام می‌شود. وی می‌نویسد: «آنان [مقدس‌مآبان و ظاهرگرایان] تلاش می‌کنند دیواری گرد جنبش نوگرایی در اجتهاد ایجاد کنند، بدون آنکه از پایه و تکیه‌گاه نظر جدید و قاعده اصولی و فقهی یا جنبه علمی فتوای جدید آگاهی داشته باشند. این گروه علیه این یا آن مجتهد نوگرا شروع به سر و صدا و هیاهو می‌کنند تا فتوای او را محکوم کنند یا او را مجبور کنند از نظرش برگردد؛ به‌ویژه اگر مجتهد از شخصیت‌های معتبر مرجعیت تقلید باشد» (فضل‌الله، ۱۳۹۶: ۶۳).

نکته بسیار مهم در اینجا پیرو نظر فضل‌الله این است که مسلمانان در رعایت اصول شرعی ممکن است به دلایل مختلف (مانند کم‌اطلاعی) به افراط کشیده شوند و دچار مشکلات فراوانی گردند که حتی آنان را از فعالیت سیاسی بازدارد. افراط و نسنجیده عمل کردن به تحجر یا تعصب دینی و سیاسی می‌انجامد. تحجر یعنی پافشاری متعصبانه بر اصول، اندیشه و رفتارهای غیرعقلانی. متحجران با برداشت تنگ‌نظرانه و محدود از دین و سیاست موجب می‌شوند دین جوابگویی مقتضیات و ضروریات زمانی و نیازهای تازه انسان نباشد. از جهتی دیگر نیز این متحجران هرگز پذیرای نقد اندیشه و عمل خویش نبوده و به‌دنبال بازنگری و بازشناسی فکر و عمل به اصطلاح اسلامی خود نیستند. همچنین در عرصه فعالیت انقلابی تعصب نابخردانه و عمل غیرعقلانی آن‌ها سبب می‌شود سطحی‌نگر و در مبانی اعتقادی و سیاسی خود سست باشند. آن‌ها به دلیل جمود بر ظاهر، اعتقاد راسخی ندارند و نمی‌توانند به شایستگی از اعتقادات و آرمان‌های خود دفاع و آن‌ها را صیانت کنند؛ از این‌رو در رویارویی با مخالفان از لحاظ نظری به‌آسانی مقهور می‌شوند و در فعالیت سیاسی خود نیز راه به جایی نمی‌برند. مقدس‌مآبی که فضل‌الله بیان می‌دارد، یکی از نشانه‌های تحجر و تعصب بیجاست؛ متحجران دینی در ظاهر دین تأکید دارند و به‌دلیل مقدس‌مآبی و بی‌خبری از جامعیت دین و مبانی اعتقادی، تنها خود

را صاحب حق و مسلمان واقعی می‌دانند و دیگران را به اباحی‌گری و حتی ارتداد و دین‌گریزی متهم می‌کنند و مطلب بسیار مهم اینکه آن‌ها شناخت درستی از نیازهای زمان ندارند و برای تطبیق تعالیم اسلامی با نیازها و مسائل روز مثل عرصه پیچیده و مهم سیاست تلاشی نمی‌کنند؛ این است که درنهایت تلاش و گاهی خون خود را به هدر می‌دهند و موجب می‌شوند مسلمانان در اهداف خود بازمانند.

## ۵. هدف‌گرایی در مواضع

به عقیده فضل‌الله آنچه خط سیر کلی و برنامه اصلی و اساسی را برای هر انقلاب مشخص می‌کند، هدفی است که از آن دارند و بر مبنای این اصل فعالان انقلابی هر شیوه و روشی را برای رسیدن به پیروزی در انقلاب که قصد دارند برگزینند، باید با مدنظر قراردادن شرایط موجود و ترسیم اهداف و عزم و اراده خالص تمام آن شیوه را انتخاب کنند و شیوه‌ای خاص را در همه مواقع مبنای ثابت برای خود نگیرند؛ زیرا در هر شرایطی باید متناسب با هدف به اتخاذ شیوه پرداخت؛ بنابراین انقلابیون در این مسیر ناچار به تحمل مشکلات فراوان هستند، اما با مشخص شدن هدف یا خط سیر اصلی و کلی انقلاب برای آن‌ها، تنها باید جزئیات فعالیت خود را بر مبنای پیشرفت تجربیات و ماهیت مبارزه‌جویی‌ها و واقع‌گرایی و برنامه حساب‌شده و منطقی، طراحی و اجرا کنند. این وظیفه مهم را بر عهده کسانی می‌داند که جنبش را رهبری می‌کنند (فضل‌الله، ۱۳۷۸: ۴۴-۴۵). فضل‌الله می‌نویسد: «انقلابی‌گری یا انقلابی‌بودن بدین معناست که در تمام قضایا هدف را از یاد نبریم... بنابراین آنچه خط سیر حرکت را برای ما تعیین می‌کند تنها هدف است و بس» (فضل‌الله، ۱۳۷۸: ۴۴) و منظور ایشان از هدف همان مبنا قراردادن اسلام ناب در اتخاذ شیوه‌های مبارزه و درنهایت اصل قراردادن اسلام برای ساخت دولت بعد از انقلاب است.

## بررسی و تحلیل

هر حرکت سیاسی و به‌طورکلی هر رفتاری در انسان‌ها، برای رسیدن به هدفی انجام می‌گیرد و با هر روشی نیز نمی‌توان به یک هدف مشخص و معین دست یافت؛ بنابراین روند حرکت برای دستیابی به مقصود خاص باید دنباله‌رو قواعد و ضوابط و شرایط مخصوص به خود باشد تا تناسب رعایت شود و نتیجه دهد. همه انقلاب‌ها و نظام‌های سیاسی (از جمله اسلام) به مثابه یک مجموعه حقیقی و عینی از این قاعده مستثنا نیستند و در نتیجه دارای هدفی خاص و اصول

یا مقررات حاکم بر فعالیت‌ها هستند که باید برای رسیدن به نتیجه مطلوب رعایت شوند. تعیین هدف در عرصه سیاست، به فلسفه سیاسی هر انقلاب یا نظام حکومتی برمی‌گردد. «درحقیقت، انقلاب در یک جامعه به معنای زوال و فروپاشی یک فلسفه سیاسی و غلبه و جایگزینی فلسفه سیاسی دیگر است؛ مثلاً اصول فکری و قواعدی که در نظام جمهوری اسلامی ایران، پس از انقلاب، مبنای عمل قرار گرفت، مبین فلسفه سیاسی‌ای مبتنی بر مبانی اسلام است» (نوروزی، ۱۳۸۰: ۱۹)؛ بنابراین مبنای تعیین اهداف به نحوه تفکر هر مکتب درباره بنیادهای اولیه عرصه سیاست ارتباط دارد. تفکر و هدف اصلی در نظام سیاسی اسلام، توسعه بستر تقرب الهی است که حکومت زمینه‌ساز این تقرب تعالی‌بخش است که درباره انقلاب ایران نیز این مسئله جاری بود. شهید مطهری ذیل این مطلب می‌نویسد: «ماهیت انقلاب اسلامی ایران در اسلامی بودن آن نهفته است. در انقلاب اسلامی ایران، اسلام هدف بود. انقلاب اسلامی یعنی انقلابی که ماهیتی اسلامی، راه اسلامی و هدف اسلامی دارد... به عبارت دیگر اسلام هدف و معیار انقلاب است» (مطهری، ۱۳۷۳: ۱۴۵).

یکی از ضرورت‌های تعیین اهداف این است که باید به‌صورت آگاهانه و با در نظر گرفتن شرایط موجود انتخاب شود؛ این مسئله بدین معناست که باید در جهت رسیدن به آن‌ها برنامه‌ریزی کرد. این برنامه‌ریزی‌ها به موازات تغییر شرایط نیز تغییر می‌یابند و باید فعالیت‌ها متناسب با آن‌ها صورت بگیرد. هدف‌گرایی در مواضع، این موضوع را به فعالان انقلابی القا می‌کند که اگر یک هدف الهی را مدنظر خود قرار داده‌اند، باید اصل برای آن‌ها حفظ و توسعه آن در هر شرایط باشد و تمام فعالیت‌ها و مواضع و استراتژی‌های خود را در امور سیاسی و... بر مبنای آن بنا بگذارند. این مطلب بدین معناست که اگر دشمن در جایی طوری برنامه‌ریزی کرده بود که هدف او اصل انقلاب یا آرمان‌های اصیل مسلمانان است و به شرط عمل می‌تواند بر آن‌ها غالب آید، انقلابیون باید از مواضع خود به قدر اهمیت آن‌ها عقب بکشند تا هدف و راه اصلی آنان نابود نشود و در جایی دیگر با برنامه‌ریزی مناسب و قدرت برتری که پیدا کرده‌اند، بر دشمن حمله ببرند تا به یک پیروزی قاطع دست یابند. در سیره عملی امام علی (ع) درباره مسائل سیاسی و حکومت نیز این مسئله نمود دارد. ایشان با توجه به خطرات برون‌مرزی و درون‌مرزی با اینارگری و هدف‌گرایی سکوت کرد؛ زیرا اساس دین در خطر جدی بود. وی در خطبه سوم نهج البلاغه می‌فرماید: «با خود اندیشیدم که با نیروی محدود به غاصبان حمله کنم یا وضع موجود را تحمل نمایم؟ سرانجام به این نتیجه رسیدم که صبر و شکیبایی مناسب‌تر است و لذا صبر کردم، اما مانند آن انسانی که

ریگ و غبار در چشم دارد و استخوان در گلو، که بسیار دردآور است» (دشتی، ۱۳۷۹: ۱۱).

به‌طور کلی می‌توان ویژگی‌ها یا مواضع افراد هدف‌گرا یا هدفمند را در عرصه سیاسی بدین صورت بیان کرد: ۱. علاقه‌مند به حل مشکلات هستند؛ یعنی با تفکر و رفتار عقلانی بدون هیچ‌گونه تعصب بیجایی به دنبال راهی برای حل مشکلات هستند. ۲. هدفشان رسیدن به خردمندانه‌ترین نتیجه است؛ یعنی قصدشان بهترین نتیجه در هر زمان است که ممکن است بنا به شرایط گاهی با دشمن به توافق برسند و گاهی ممکن است پیروزی کامل حاصل کنند. ۳. مردم را با خود همراه می‌دانند؛ یعنی اینکه به آگاه‌سازی مردم می‌اندیشند نه اینکه بخواهند مردم کورکورانه آن‌ها را یاری دهند. ۴. بدون توجه به عامل اعتماد به دشمن پیش می‌روند؛ یعنی نه به دشمن اعتماد می‌کنند و نه نمی‌کنند و براساس برنامه‌ریزی و نقاط قوت و ضعف خود مواضع خودشان را اجرایی می‌کنند. ۵. روی منافع تمرکز دارند نه مواضع؛ یعنی نه مواضع خودشان را به راحتی تغییر می‌دهند و نه بر آن‌ها سختگیری دارند. برای هدف مقدس خود و منافی که ممکن است در کوتاه‌مدت یا بلندمدت برایشان به دست آید، تلاش می‌کنند. ۶. چندین راه حل را برای برگزیدن پیدا می‌کنند و بعداً (به‌طور هوشمندانه) انتخاب می‌کنند؛ یعنی به دنبال راهی نیستند که اقلیت مردم یا تعدادی از آن‌ها با آن‌ها همراهی کنند، بلکه با استفاده از نخبگان راه‌هایی را پیشنهاد می‌کنند که بیشتر جامعه یاران آن‌ها شوند. ۷. اصرار به معیارهای عاری از نظر شخصی دارند؛ یعنی از نظرات مختلف بهره می‌گیرند تا نواقص نظر شخصی‌شان برطرف شود. ۸. تسلیم اصول می‌شوند نه فشار و تهدید دشمن؛ یعنی در برنامه‌ریزی‌های راهبردی خود با رویکرد عقلانی و هدف‌محور به پیش می‌روند، مواضع واقعی و نقاط قوت و ضعف دشمن را در نظر می‌گیرند، نه تهدیدات و فشارهای انتزاعی و پوچ و توخالی دشمن را که تنها بر افراد و گروه‌های بی‌هدف تأثیرگذار است. ذکر این نکته لازم است که ترسیم دقیق اهداف کلی و جزئی بر عهده رهبران جنبش است. رهبران همان نخبگان و اندیشمندی هستند که مبانی و اصول و حدود انقلاب و ساختار سیاسی جدید جایگزین مورد نظر خودشان را به‌طور کامل می‌شناسند و به آن احاطه دارند و براساس اصول صحیح و شرایط واقعی برنامه خود را برای پیشبرد اهداف خود تدوین می‌کنند تا جنبش بر مبنای آن شکل بگیرد و یک حالت واقع‌گرایی و منطقی داشته باشد تا به تعصب و تحجر و درنهایت ناکامی منجر نشود و پیروز شود.

## ۶. اتخاذ سیاست باز در روابط سیاسی

در واقعیت سیاسی جهان اسلام جریان‌اتی وجود دارند که دینی هستند، اما اسلامی نیستند یا فقط ظواهر اسلامی دارند یا حتی غیراسلامی هستند، اما در برخی مواضع با اسلام اشتراک دارند. در کنار این جریان‌ات، جریان ناب اسلامی هم وجود دارد که به سمت هدف مقدسش در حرکت است. در دیدگاه فضل‌الله این جریان ناب اسلامی باید با دیگر جریان‌ات ارتباط برقرار کند و با انعطاف‌پذیری و واقع‌بینی مواضع و اختلاف و اشتراک خود را با دیگران مشخص کند و به اقتضای شرایط به اهداف مرحله‌ای و نهایی خود برسد (فضل‌الله، ۱۳۷۸: ۱۳۶). فضل‌الله در اینجا می‌نویسد: «اگر اتخاذ سیاست باز را از جنبه مثبت آن مورد دقت قرار دهیم، درمی‌یابیم که این شیوه نتایج مثبتی برای جریان اسلامی به دنبال دارد» (فضل‌الله، ۱۳۷۸: ۱۴۳). که برخی از این نتایج را این‌گونه برمی‌شمارد:

۱. آگاهی عمیق و درونی از تحولات سیاسی، ۲. امکان رخنه در جریان‌های دیگر، ۳. سوق‌دادن افکار به سوی اهداف بزرگ اسلام، ۴. دوری اسلام از دایره طایفه‌گرایی (فضل‌الله، ۱۳۷۸: ۱۴۴-۱۴۵).

البته ایشان در استفاده از این اصل یک نکته مهم را یادآوری می‌کنند که باید «همواره بر مرزهای فکری و روحی اسلام و دیگران تأکید کرد تا آنکه از یک سو [اولاً] اهمیت جنبه اعتقادی نشان داده شود و [دوماً] از سوی دیگر در جنبه عملی، هوشیاری لازم به عمل آید» (فضل‌الله، ۱۳۷۸: ۱۴۹). بدین معنا که در عرصه فعالیت‌های عملی انقلابی دو شخصیت اسلامی و غیراسلامی برای مردم کاملاً ملموس و عینی باشد تا احتمال جذب و حل شدن جریان اسلامی در جریان‌ات دیگر منتفی شود (فضل‌الله، ۱۳۷۸: ۱۴۹).

## بررسی و تحلیل

برقراری روابط با دیگران (چه دشمنان، چه مخالفان، چه منافقان و...) اگر بر مبنای هدف و به سود نهایی جنبش باشد، اهمیت بسیاری دارد. این مطلب در جایی اهمیت مضاعف پیدا می‌کند که هدف انقلابیون صدور انقلابشان به جهانیان باشد. بی‌شک در نگرش‌های اسلامی صدور انقلاب باید جزء اهداف فعالان آن باشد؛ چون آرمان اسلام، احیای بشر در وجه عالی مقام انسانیت و ترویج همان جامعه مدنی ایده‌آل پیامبر (ص) است. با وجود آنکه در جهت تعالی انقلاب و نظام حکومتی و قوام آن، راهکارهای متفاوتی را می‌توان به عرصه عمل آورد، به نظر

سیاستمداران اسلامی، مهم‌ترین و حساس‌ترین این راهکارها از کانال سیاست خارجی و دیپلماسی می‌گذرند. این امر تا آنجا حائز اهمیت است که می‌توان گفت، روش‌های جدید و خلاقیت‌های دیپلماسی سبب می‌شود انقلاب به صورت آشکار و پنهان بتواند در میان دولت‌ها و فراتر از آن، ملت‌ها جا باز کرده و جایگاه خود را تثبیت کند؛ از این رو مسئله سیاست باز با این هدف و راهبرد، پا به عرصه ظهور گذاشت. البته باید گفت برقراری روابط باید در چارچوب اصول سیاست اسلامی و مبتنی بر حفظ اصل عزت مسلمانان باشد و نباید خط قرمزها و راهبردهای اساسی انقلاب را به خطر اندازد. مسئولان و نخبگان جنبش بدانند که این سیاست، یک تاکتیک و روش است، نه هدف و راهبرد که لازمه آن، ابتکار عمل هوشمندانه است؛ نباید موجب غفلت از ماهیت دشمن و اهداف او باشد و درنهایت به انسجام و اتحاد و همکاری نیروها بینجامد.

در این نوع روابط ممکن است به دیگران امتیازی داده شود، اما در مقابل نتیجه‌ای که به دست می‌آید، ارزش دارد و معقول و منطقی به نظر می‌رسد؛ زیرا در بسیاری از مواقع راهی جز برقراری رابطه نیست و حتی اگر این روابط برقرار نشود، ممکن است جنبش به کلی به خطر نابودی کامل نزدیک شود. این مسئولیت مهم بر عهده سیاست‌مداران و علم‌مداران جنبش است؛ یعنی یک جنبه از جهاد در راه خدا، جهاد سیاسیون و اهل علم (در کنار جنبه نظامی) است که با استفاده از هوش و ذکاوت خود اهداف جامعه اسلامی را با دقت می‌شناسند و پیگیری می‌کنند. آن‌ها می‌دانند اگر صلح و دوستی هم در زمانی ایجاد می‌شود، مبتنی بر عقب‌نشینی از اصول و اساسی و آرمانی اسلام در عرصه سیاست و غیره نیست، بلکه از یک طرف سازوکار یا تاکتیکی در مقطعی از زمان است تا شرایط مناسب برای حمله و هجوم و حذف آنان فراهم شود و از طرف دیگر جامعه و جنبش اسلامی در برخی مسائل نیاز به برقراری ارتباط با دشمنان خود دارد؛ بدین معنا که در مقطعی با توجه به شرایط انقلابیون ناچار به ارتباط با آنان در مواردی مثل کمک اطلاعاتی یا نظامی یا نیازهای اولیه و غیره است تا به تدریج بنای مستحکمی را پی‌ریزی کند که هیچ نیرو و قدرتی نتواند آن را تباہ کند. به عبارت بهتر می‌توان گفت که از دشمن علیه خودش (با یک راهبرد صحیح) استفاده می‌شود.

البته باید این نکته بسیار مهم را مدنظر داشت که رابطه با دشمنان و اتخاذ یک سیاست باز همواره لطمه‌ها و خطرات جبران‌ناپذیری را نیز داشته است که در این رابطه باید به اصولی نیز پایبند بود که قرآن و سنت به مسلمانان معرفی کرده است: ۱. ایمان راسخ به هدف؛ یعنی اگرچه ممکن است روابط به ظاهر دوستی با دشمنان برقرار کنید، همیشه در باطن دشمنی را حفظ کنید.

مثلاً رفتار حضرت ابراهیم<sup>(ع)</sup> با دشمنان می تواند الگویی برای مسلمانان باشد. ایشان می فرمود: «تا ایمان نیاورده اید، دشمنی من با شما پابرجاست» (ممتحنه: ۴). ۲. نهراسیدن از قطع ارتباط با دشمنان برای تأمین نیازهای مادی و اقتصادی؛ بدین معنا که درست است نیازهای مادی جزء اساس و بنیاد هر مجموعه انسانی است، اما اگر رفع این نیازها به بی دینی شان بینجامد، دین اسلام آن را مردود می شمارد و مسلمانان نباید به خاطر مکتب از قطع رابطه اقتصادی با کفار نگران باشند و تنگناهای اقتصادی و فشارهای مالی نباید آن‌ها را به دینشان بی تعهد کند. خداوند در این زمینه می فرماید: «رزق مسلمانان به دست دیگران نیست و تنها به دست خداوند است» (توبه: ۲۸). ۳. محرم اسرار نساختن دشمن؛ یعنی فقط اطلاعاتی در اختیار دشمن قرار بگیرد یا امتیازی به لحاظ سیاسی به آن‌ها داده شود که به اسرار اصلی و اساسی مسلمانان دست پیدا نکنند؛ بدین معنا که باید بسیار دقیق و حساب شده و ظریف طراحی شوند تا هم در اصل و واقعیت امتیاز بزرگ و تباه کننده‌ای محسوب نشود، اما طوری باشد که به چشم دشمن بزرگ به نظر برسد و طوری نباشد که با دادن امتیاز اصول اساسی مسلمانان زیر پا گذاشته شود. ۴. اتکانکردن به دشمن؛ برقراری روابط با دشمنان نباید به گونه‌ای باشد که وقتی رابطه یا پیمان یا تعهدی بین مسلمانان و دشمنانشان بسته شد، بدین معنا باشد که مسلمانان به آن‌ها اعتماد کامل کرده‌اند و اگر آن روابط ایجاد نمی شد کار آنان به کلی لنگ می ماند، چون این احتمال وجود دارد که آن‌ها با توجه به سیاست‌هایشان امتیاز یا قول مسلمی و قاطعی به مسلمانان بدهند، اما در مقام عمل بدان عمل نکنند که اگر مسئله مهمی باشد خسران بزرگی برای جامعه اسلامی به وجود می آید؛ بنابراین رابطه باید طوری باشد که تمام جنبه‌ها در نظر گرفته شود. ۵. هوشیاری در برابر دشمنان: حضرت علی<sup>(ع)</sup> در عهدنامه مالک اشتر، بعد از آنکه مالک را سفارش به پذیرش صلح شرافتمندانه می کند، می فرماید: «زنهار، سخت از دشمنت پس از پذیرش صلح بر حذر باش، چرا که دشمن گاهی نزدیک می شود که غافلگیر سازد؛ بنابراین دوراندیشی را به کار گیرد و در این موارد خوش بینی را متهم کن» (دستی، ۱۳۷۹: ۵۳)؛ یعنی باید پیوسته و در شرایط مختلف مانند صلح و دشمنی، آنان را زیر نظر داشت و اگر لحظه‌ای از دشمن غفلت کنیم، آسیب‌های فراوانی به ما می رسد.

## ۷. بهره‌گیری از حزب سیاسی و فعالیت تشکیلاتی

فضل الله بر این باور است که در فعالیتهای انقلابی، از تشکیلات سیاسی یعنی حزب استفاده کرد. حزب با استفاده از تشکیلات و برنامه‌ریزی توده‌های جامعه را سازمان‌دهی و به یک نیروی

عظیمی تبدیل می‌کند که در عرصه سیاست به اهداف بزرگی دست خواهند یافت. ایشان معتقد است، اسلام برای مواجهه با مبارزه طلبی‌های مخالفان شیوه خاصی را معین نکرده است؛ بنابراین برای تعیین شیوه‌ها باید انعطاف‌پذیر بود و براساس یک حکم شرعی قاطع و واقعیت‌های موجود و واقع‌بینی آن‌ها و متناسب با دشواری‌ها و ضد حمله‌های مخالفان در چارچوب کلی دعوت به اتخاذ شیوه مناسب اقدام کرد (فضل‌الله، ۱۳۷۸: ۱۰۲-۹۷). فضل‌الله می‌نویسد: «بدین ترتیب ما بر این باوریم که هم در مرحله فکری برای دعوت و هم در مرحله فعالیت سیاسی برای تغییر واقعیت، نیازمند تشکیلات و سازمان‌دهی هستیم» (فضل‌الله، ۱۳۷۸: ۱۰۱) و فعالیت غیر تشکیلاتی و بی‌سازمان را از برنامه‌ریزی واقع‌بینانه ناتوان می‌بیند که تسلیم عوامل پیچیده و تحولات شتابان می‌شود که در نهایت تبدیل به یک حرکت کور و بی‌جهت خواهد شد که تحت سیطره جریان‌های دیگر است (فضل‌الله، ۱۳۷۸: ۱۰۱). ایشان در این راه اولین گام را شناخت سیاسی می‌داند که رهبری و روند تغییر وضع موجود را مشخص می‌کند، اما این نکته را هم باید یادآور شویم که این اندیشمندان تنها راه آرمانی و شیوه ایده‌آل و مطلوب رسیدن به اهداف سیاسی را تحزب‌گرایی نمی‌دانند، بلکه معتقد است باید در یک زمان از شیوه حزبی و در زمان دیگر از شیوه مردمی و باز بهره‌برداری کرد که این‌ها همگی به شرایط و واقعیات موجود بستگی دارند (فضل‌الله، ۱۳۷۸: ۱۱۶).

## بررسی و تحلیل

به‌طور خلاصه به نظر می‌رسد تعریف حزب نزد فضل‌الله این باشد که حزب یک تشکیلات سیاسی و ایدئولوژیکی است که دو کار ویژه انجام می‌دهد: ۱. سازمان‌دهی و هماهنگی مردم برای انسجام بهتر و بیشتر ۲. انتقال فلسفه و جهان‌بینی رهبران انقلاب به مردم برای داشتن دیدگاهی اصیل و واقعی که هر دو سبب می‌شود مردم یک مبارزه دقیق، هوشمندانه و آگاهانه داشته باشند و در مواقع نیاز، به‌موقع به میدان عمل بیایند و ایفای نقش کنند. به‌طورکلی می‌توان گفت در نظر ایشان حزب عامل هم‌بستگی بین نفرات است که سبب می‌شود به اهداف دسترسی پیدا کنند. «از این دیدگاه نفس تجمع انسان‌ها در یک سازمان بدون توجه به گرایش‌های اجتماعی یا عقیدتی آن‌ها هم‌بستگی حزبی حاصل می‌شود. درواقع انگیزه افراد در این گردهمایی ممکن است متنوع و متفاوت باشد... [اما] می‌تواند به شکل‌گیری گروهی بینجامد [که سبب هم‌بستگی می‌شود]» (نقیب‌زاده، ۱۳۹۳: ۶۳). همچنین وقتی در جامعه‌ای احزاب سیاسی (به‌شکلی صحیح و اصول دموکراتیک) شکل گرفت، به گسترش مشارکت و توسعه سیاسی منجر می‌شود؛

بدین معنا که احزاب برای سازمان‌دادن و ساخت‌بخشیدن به مشارکت سیاسی نقش مهمی ایفا می‌کنند که به اراده سیاسی مردم شکل می‌دهند و کار را برای رهبران انقلاب‌ها به‌منظور پیشبرد اهدافشان آسان‌تر می‌کنند. علاوه بر این احزاب می‌توانند افراد مستعدی (نخبگانی) را که بین مردم‌اند و برخوردار از بینش صحیح سیاسی هستند و آگاهی از اهداف انقلاب دارند، به رهبران جنبش معرفی کنند. البته روشن است که میان مفهوم حزب در اسلام با آنچه در غرب وجود دارد، در مبانی معرفت‌شناسی و ارزشی آن‌ها اختلافات بنیادی وجود دارد؛ یعنی به دست آوردن قدرت در اسلام و حزب اسلامی ارزش و هدف غایی نیست، بلکه یک هدف ابزاری و میانی برای تحقق‌بخشیدن به هدف اصلی از حکومت که همان رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی است، به شمار می‌رود. هم‌پستگی و وحدت کلمه مفاهیمی هستند که امام خمینی<sup>(ره)</sup> نیز آن‌ها را یکی از اصول مهم مبارزه و حل مشکلات می‌داند: «الآن ما مشکلات زیاد است، لکن همه باید دست به دست هم بدهیم تا حل مشکل بکنیم. من نمی‌توانم، روحانیت هم نمی‌تواند، دولت هم نمی‌تواند، هیچ قشری از اقشار نمی‌تواند، لکن ((یدالله مع الجماعة)) خدای تبارک و تعالی با جماعت است...» (بی‌آزار شیرازی، ۱۴۰۴: ۹۹-۹۸). «برای فعالیت احزاب سیاسی نیز می‌توان شرایطی را برشمرد از جمله ۱. اطاعت از رهبران حزبی در چارچوب اسلام، ۲. پایبندی به باورها، احکام و آموزه‌های دین اسلام، ۳. انسجام و هماهنگی احزاب اسلامی در جامعه و مقابله با جریان‌های انحرافی، ۴. تلاش در حوزه کارآمدی جامعه و حکومت اسلامی و اعتقاد به حاکمیت و مشروعیت الهی، ۵. نظارت مستمر احزاب بر تحقق احکام اسلامی در جامعه و پرهیز از مناقشه‌های تضعیف‌کننده نظام، ۶. جبهه‌بندی در مقابل جریان‌های الحادی و غیراسلامی» (نوروزی، ۱۳۸۴: ۱۰۳-۹۶)؛ بنابراین با توجه به رعایت ضوابط و مبانی اسلامی حزب‌های سیاسی می‌توان از این تشکیلات به نحو احسن بهره برد و به‌عنوان یک ظرفیت بسیار راهبردی برای اتحاد مسلمانان و پیشبرد اهداف انقلابی استفاده کرد.

### نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌های این پژوهش می‌توان گفت، الزاماتی که علامه فضل‌الله برای جنبش‌های اسلامی معرفی و ارائه می‌کند، بر مبانی یک جهان‌بینی تازه، به‌روز و کارآمد است که ایشان در برابر موضع‌گیری‌ها و رویکردهای شایع و سنتی دنیای اسلام (که بیشتر رنگ عاطفی و احساسی دارند) اتخاذ کرده‌اند. تلاش او بر این بوده است که ضمن طرح صحیح مسئله با التزام به یک

نظام فکری برخاسته از متن اسلام و تجارب پیامبر خدا (ص) و اهل بیت عصمت و طهارت (ع) راه حل پیشنهادی خود را به شکلی واقع‌بینانه و عملی ارائه دهد تا در دنیای پر پیچ و خم و دشوار سیاسی امروز، نقشه راهی باشد که حرکت‌های سیاسی مسلمانان را با مدنظر قراردادن اصول و قواعد اسلامی و سیاسی دقیق به ثمر برساند. این تلاش او بدین دلیل است که ایشان بسیاری از حرکت‌های اصلاح‌طلبانه و آزادی‌خواهی‌های مسلمانان در طول تاریخ و در بیشتر کشورهای امروزی را به دلیل آشنانیدن با الزامات و ضروریات یک انقلاب فایده‌مند، ناکام می‌داند و معتقد است آن‌ها یا به افراط کشیده شده‌اند یا تفریط و راه به جایی نبرده‌اند. این نواندیشی و واقع‌گرایی را هم می‌توان از تأثیرات جهانی شدن مسائل (به‌خصوص مسائل و موضوعات سیاسی) دانست که بر اندیشمندان اسلامی نیز تأثیر خود را گذاشته است و به پیدایش فضای جدید فکری منجر شده که این متفکران با رویکردی آرام، واقع‌گرایانه و پاینده به بی‌طرفی فکری در موضوعات مختلف اظهار نظر کنند و به‌نوعی مبانی نظری محکم و قوی متناسب با نیاز روز و در عرصه‌های مختلف به‌خصوص عرصه سیاسی و اجتماعی تدوین و ارائه کنند تا جامعه مسلمانان را که در طول سال‌ها از دوران اولیه تا عصر حاضر به‌خاطر افراط و تفریط‌ها و ندانستن‌ها دچار ناکامی و شکست‌های فراوان شده‌اند، نجات بدهند.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. بریتون، کلارنس کرین. (۱۳۶۶). کالبدشکافی چهار انقلاب. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر نو.
۳. بی آزار شیرازی، عبدالکریم. (۱۴۰۴ ق). توحید کلمه. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۴. پطروشفسکی، ایلیاپاولوویچ. (بی تا). اسلام در ایران. ترجمه کریم کشاورز. تهران: بی نا.
۵. دشتی، محمد. (۱۳۷۹). ترجمه نهج البلاغه. قم: مشرقین.
۶. رسولی، سید هاشم. (بی تا). زندگانی محمد (ص) پیامبر اسلام. تهران: کتاب فروشی اسلامیه.
۷. شریعتی، علی. (۱۳۵۷). امت و امامت. تهران: شرکت انتشارات قلم، بنیاد فرهنگی دکتر علی شریعتی.
۸. عارفی، محمد اکرم. (۱۳۷۸). «راهکار وحدت سیاسی جهات اسلام در اندیشه امام خمینی». علوم سیاسی، ۵(۱۸)، ۷۷-۸۵.
۹. عیوضی، رحیم و هراتی، محمد جواد. (۱۳۹۰). درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران. قم: دفتر نشر معارف.
۱۰. فضل الله، محمد حسین. (۲۰۰۱ م). قصائد للاسلام و الحیاة. بیروت: دارالملاک.
۱۱. فضل الله، محمد حسین. (۱۳۷۸). کیمیای نظر. ترجمه محسن عابدی. تهران: خانه اندیشه جوان.
۱۲. فضل الله، محمد حسین. (۱۳۹۶). فقیه و امت. ترجمه موسی الرضا بخشی استاد. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۳. فضل الله، محمد حسین. (۱۳۹۴). دنیای جوان. ترجمه مجید مرادی. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۱۴. کوفی اصفهانی، ابواسحاق ابراهیم بن محمد ثقفی. (۱۳۵۵). الغارات. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
۱۵. متس، آدام. (۱۳۶۲). تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری. تهران: امیرکبیر.
۱۶. مرادی، مجید. (۱۳۸۱). «اندیشه سیاسی آیت الله سید محمد حسین فضل الله». علوم سیاسی، ۵(۱۸)، ص ۴۳.
۱۷. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۳). پیرامون جمهوری اسلامی. تهران: انتشارات صدرا.

۱۸. نقیب‌زاده، احمد. (۱۳۹۳). احزاب سیاسی و گروه‌های ذی‌نفوذ. تهران: نشر قومس.
۱۹. نوروزی، محمدجواد. (۱۳۸۰). فلسفه سیاست. تهران: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۲۰. نوروزی، محمدجواد. (۱۳۸۴). «جایگاه حزب در اسلام». معرفت، (۹۰)، ۱۰۳-۹۶.